

هشدار امام!

(... دعوای ما دعوی نیست که برای خدا باشد)

... همه ما از گوشمان بیرون کنیم که دعوی ما

برای خدا است ما برای مصالح اسلامی دعا

می کنیم... دعوی من و شما و همه کسانی که

دعا می کنند همه برای خودشان است...)

امام خمینی (ره) - صحیفه امام، جلد ۱۴ صفحه ۴۷۹



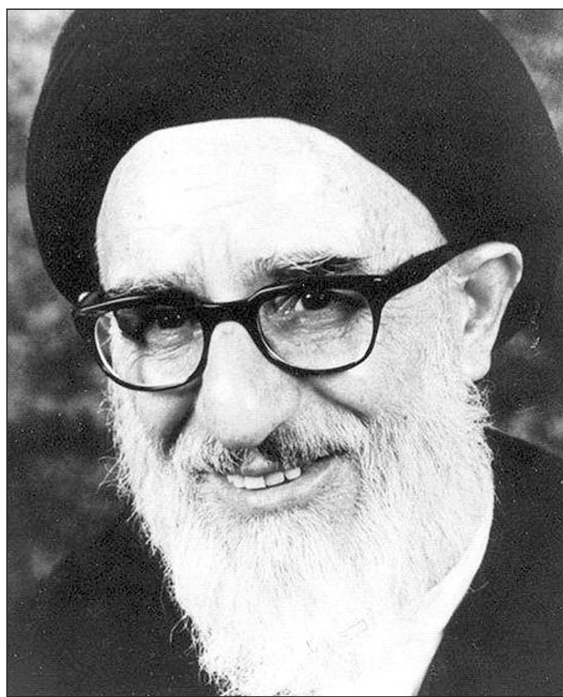
سپاهی. اجتماعی. فرهنگی

سال سی و دوم / شماره ۱۳

شماره مسلسل ۱۴۱۲

نیمه اول مهر ماه ۱۳۹۰

۲۰۰ تومان



در بزرگداشت سالروز رحلت ابوذر زمان و مفسر کبیر قرآن،
آیت الله سید محمود طالقانی:

تجسم عینی پر توی از قرآن

صفحه ۶

اخوان المسلمین
در
نگاهی دیگر...

استاد سیدهادی خسروشاهی

صفحه ۱۰



گفت و گو با آیت الله حاج شیخ

عزیز الله عطاردی:

... و عشق، اینگونه

معجزه می کند

صفحه ۷



شیخ نعیم قاسم تشریح کرد:

نقشه های غرب
برای انحراف
بیداری اسلامی

صفحه ۳



حجت الاسلام والمسلمین قرآنی:

کسی برای احیای
واجبات فراموش شده
احساس تکلیف
نمی کند

صفحه ۹



کارشناس مسائل خاورمیانه عنوان کرد:

نمایش ناپختگی
سیاسی اردوغان
در مصر

صفحه ۴



پیام تسلیت مجمع
جهانی تقریب مذاهب
اسلامی به مناسبت
شهادت استاد
برهان الدین ربانی

صفحه ۲



حجت الاسلام میر تاج الدینی در همایش استاد شهریار:

اشعار عرفانی استاد شهریار حاصل هم نشینی با علامه طباطبایی بود

وی با بیان این که مضامین دینی و قرآنی در اشعار استاد شهریار موج می زند، تصریح کرد: استاد در مضامین آثار ماندگار خود از قرآن مدد می گرفت و در تسکین مشکلات زندگی با کتاب وحی آرامش می یافت، چنان که در اشعار وی مفاهیم و معارف قرآن به صورت موجز و زیبا آمده است. معاون پارلمانی رییس جمهور شعراي متعهد و متدین را واسطه فیض الهی برای بشر دانست و گفت: ظهور شعراي همچون استاد شهریار فرصتی برای کسب معرفت الهی برای بشریت است، تا بتواند با زبان رسا و زیبایی شعر و ادب به سوی معنویت و عرفان حقیقی حرکت کند. وی در پایان با اشاره به ویژگی های اشعار استاد شهریار گفت: استاد سیدمحمدحسین بهجت تبریزی به سه زبان زنده جهان جهان یعنی عربی، فارسی و ترکی آذری شعر سروده که کمتر شاعری توانسته در این حد آثاری ماندگار از خود به یادگار بگذارد.

همچنین پرویز آژیده، معاون سیاسی امنیتی استاندار آذربایجان شرقی در سخنانی با اشاره به اشعار استاد شهریار با مضامین وحدت ملی اظهار داشت که آن استاد شعر و ادب ایران زمین، عاشق مکتب اهل بیت عصمت و طهارت بود آمیختگی هویت اسلامی و ایرانی در مکتب استاد به وضوح قابل مشاهده است.

وی با اشاره به تاکید اشعار استاد شهریار بر وحدت ملی و اعلام انزجار از فرهنگ وارداتی غرب افزود: اشعار ترکی و فارسی استاد شهریار نشان از تعلق خاطر آن شاعر بلندمرتبه ایران اسلامی به همگرایی و وحدت ملی بوده است.

حجت الاسلام میر تاج الدینی گفت: شهریار با علامه طباطبایی صاحب تفسیر المیزان هم حجره بوده و اشعاری با مضامین قرآنی از سوی استاد نشان می دهد که رازهایی میان آن دو بزرگوار وجود داشته است. همایش ملی بزرگداشت استاد شهریار و پاسداشت روز ملی شعر و ادب فارسی با حضور وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی و معاون پارلمانی رییس جمهوری در سالن اقبال آذر مجتمع فرهنگی هنری ۲۹ بهمن تبریز برگزار شد. حجت الاسلام سید محمدرضا میر تاج الدینی، معاون پارلمانی رییس جمهور در سخنانی با بیان این که اشعار استاد شهریار تجلی دین مداری، دوستداری اهل بیت و عرفان حقیقی آن شاعر پرآوازه معاصر بوده است، اظهار داشت: عشق به اهل بیت و عرفان، استاد سیدمحمدحسین بهجت تبریزی را محبوب دل ها کرده است.

وی با تشریح بخش هایی از دوران زندگانی مرحوم استاد شهریار در تبریز و تهران خاطر نشان کرد: استاد در خانواده ای مذهبی از همان دوران کودکی با زمزمه های دینی، زبان باز کرده و محب اهل بیت بود که شعر هفت سالگی او نشانی از این علاقه به ائمه اطهار(ع) است.

حجت الاسلام میر تاج الدینی با بیان این که استاد شهریار در تحصیل علوم دینی و حوزوی نیز از نوابغ روزگار بوده است، ادامه داد: مرحوم شهریار با علامه طباطبایی صاحب تفسیر المیزان هم حجره بوده و اشعاری با مضامین قرآنی از سوی استاد نشان می دهد که رازهایی میان آن دو بزرگوار وجود داشته است.

طلاب برای پاک ماندن قید بر نامه های صدا و سیما را بزنند

امام جمعه قم گفت: یک طلبه جوان اگر بخواهد همیشه پاکي ها در ذهنش باشد، باید قید این برنامه های تصویری و مجلاتی که پر از زندگی هنرپیشه ها دست بکشد و سراغ کتاب هایی که در ذهن او شبهه ایجاد می کند، نرود. وی تاکید کرد: در کنار ملا بودن و سواد داشتن باید پاک باشیم و تقوا داشته باشیم تا بتوانیم در محیط و جامعه خود اثرگذار باشیم. امام جمعه قم اظهار کرد: در این دوران این گونه نیست که کسی تصور کند با داشتن لباس روحانیت و عمامه می تواند مفید و اثرگذار باشد باید علاوه بر این ها دنبال تقوا هم باشیم. وی ادامه داد: طلبه اگر به مردم می گوید دنبال دنیا نباشید باید خودش هم دنبال دنیا نباشد و تهذیب نفس را رعایت کند. وی افراط و تفریط را امری مذموم و ناپسند دانست و گفت: افراط و تفریط در هیچ کاری در زندگی جواب نمی دهد و اگر بخواهید بمانید و موثر باشید باید در همه امور حد و وسط را رعایت کنید. استادی تاکید کرد: در امور سیاسی و در قضاوت درباره دیگران، افراد، گروه ها و به ویژه عالمان، باید جانب اعتدال را رعایت کرد تا دچار کج سلیقگی و شدوژ نشویم.

امام جمعه قم گفت: یک طلبه جوان اگر بخواهد همیشه پاکي ها در ذهنش باشد، باید قید این برنامه های تصویری و مجلاتی که پر از زندگی هنرپیشه ها دست بکشد و سراغ کتاب هایی که در ذهن او شبهه ایجاد می کند، نرود. وی تاکید کرد: در کنار ملا بودن و سواد داشتن باید پاک باشیم و تقوا داشته باشیم تا بتوانیم در محیط و جامعه خود اثرگذار باشیم. آیت الله رضا استادی، در مراسم آغاز سال تحصیلی مرکز فقهی ائمه اطهار(ع) با بیان این مطلب تصریح کرد: مشکلی که بسیاری از جوان ها و شاید طلاب دارند این است که خطورات بد به قلب آن ها نفوذ می کند که خودشان هم دوست ندارند، لذا اگر بخواهیم از این بلاها نجات پیدا کنیم باید از خوب و بد برنامه های تصویری صدا و سیما فاصله بگیریم. وی افزود: طلبه نمی تواند با هر کتاب، مقاله و مجله ای مانوس باشد و بعد هم توقع داشته باشد که در زندگی پاک بماند. استادی با اشاره به وضعیت عصر کنونی بیان کرد: در زمانی که سر می بریم

گفت و گو با آیت الله حاج شیخ عزیز الله عطاردی

... و عشق، اینگونه معجزه می کند

آثار و تألیفات استاد عطاردی، محدود به رشته یا موضوع خاصی نیستند. سال ها تحقیق و تحصیل در حوزه های علمیه و سفر به کشورهای مختلف، گنجینه ای گرانمایه از آثار ارزشمند در حوزه های گوناگون عقلی و علمی از قلم وی به ارمان آورده است. ایشان برای تألیف فرهنگ خراسان که از بارگاه ملکوتی امام رضا(ع) آغاز شده، از سال ۱۳۴۰ تا سال ۱۳۷۰ از خلیج بنگال تا فنلاند و از رود سیحون تا رود نیل یعنی چهار قاره سفر کرده و بعد از مطالعه و فیش برداری از کتاب های کتابخانه های بزرگ دنیا، نوشتن این کتاب ها را آغاز کرده است. از مجموعه آثار وی می توان به مجموعه عظیم "مسئله انمه اطهار" و فرهنگ خراسان" و بیش از ۱۵۰ جلد کتاب دیگر اشاره کرد. حاج شیخ عزیز الله عطاردی هنوز در کتابخانه تخصصی خود که وقف امام رضا(ع) کرده است تحقیق می کند و می نویسد و بی شک تاریخ اسلام و شیعه و مردم ایران مدیون تلاش ها و پژوهش های وی خواهند بود.

عزت اسماعیلی - کتاب هفته
* * *

شما از جمله کسانی هستید که کامل ترین منابع را جمع آوری کرده و هزاران صفحه کتاب درباره موضوع های مختلف نوشته و بیش از ۶۰ سال فقط به کار تحقیق و پژوهش پرداخته اید. این علاقه مندی و پشتکار، چگونه در وجود شما شکل گرفت؟

از کودکی و خردسالی به کتاب خواندن و مطالعه عشق داشتم و همواره با کتاب مأنوس بودم. از چهار سالگی در مکتب خانه سنتی نزد معلم روحانی دهکده درس می خواندم. این شور و عشق همچنان ادامه داشت تا جایی که گاهی شب ها مادرم کتاب را از دستم می گرفت و می گفت: اندکی با همسالان خود رفت و آمد داشته باش! اما هیچ چیز دیگر نمی توانست جای عشق و علاقه به خواندن را بگیرد. از طرفی مرحوم پدرم، بزرگ خاندان بود و مهمانان مختلف از رؤسا و عشایر، علما و اهل وعظ به خانه ما می آمدند. یکی از وظایف من خواندن کتاب برای مهمانان پدرم بود و من ضمن خواندن کتاب برای آنان، از معلوماتشان هم که اغلب درس خوانده و مطلع بودند استفاده می کردم.

بعد از تحصیل در قوچان به مشهد رضوی رهسپار شدم و بعد از تحصیلات حوزوی به تهران مراجعت کردم. روزی که در مدرسه شیخ عبدالحمین نشسته بودم، شخصی حدوداً سی ساله، با کتاب و اوراقی که حروفچینی شده بودند وارد شد و کنار من نشست و گفت: من کتاب "تحفة العقول" را چاپ می کنم. می خواهم این کتاب را با اصل آن مقابله و اصلاح کنم. به پیشنهاد ایشان اصل کتاب را به اتفاق مقابله کردیم. آن روز متوجه شدم آن شخص عالی مقام، آقای غفاری بود که در آن زمان مؤسسه ای به نام مکتب الصدوق را تأسیس کرده و به کار تحصیل مشغول بود. آن روز در این فکر فرو رفتم که من می توانم این کار را انتخاب کنم زیرا هم جنبه علمی دارد و هم فنی. با این روش می توانم هم بر معلوماتم بیفزایم و هم به کارهای علمی و تصحیح و امور چاپ آشنا شوم. آقای غفاری مردی پرکار و مصححی بسیار ماهر و امین بود.

بعد از کتاب "تحفة العقول" مشغول تصحیح چه کتابی شدید؟

در حقیقت از سال ۱۳۴۴ فعالیت علمی ام را آغاز کردم و نخستین کارم، تصحیح کتاب "فروع کافی" بود که در پنج جلد به چاپ رسید. در طول شش سال تصحیح متون با کتابخانه های مشهد و تهران ارتباط برقرار کردم و با خط های فارسی و

عربی مأنوس شدم و نیز با اهل علم و ادب به گفت و گو نشستم. تحقیق و تفحص در خط ها، جهان وسیعی را به رویم گشود و مرا به دریای حدیث و معارف اهل بیت کشاند و این تجربه را به دست آوردم که چگونه با منابع و مأخذ آشنا شوم و روش کار را پیدا کنم. این جریان نیز موجب آشنایی ام با علما و فضیلاتی تهران و محققان قم شد.

تحقیق شما برای کتاب "فرهنگ خراسان" از همان سالی که شروع شده تا امروز ادامه دارد. چرا سراغ خراسان رفتید و چرا این همه از سال های زندگی تا ربه آن اختصاص دادید؟

سال ۱۳۴۰ متنی را می خواندم که نام یکی از بزرگان علم در آن نظرم را جلب کرد. از این رو خواستم شرح حالی از آن عالم بزرگ به دست آورم و او را معرفی کنم. به کتاب "وفیات الاعیان" ابن خلکان که شرح حال رجال است مراجعه کردم. هنگام مطالعه دیدم عنوان "خبوشان" در یک کتاب معتبر ذهن مرا چنان مشغول کرد که مطالب اصلی را فراموش کردم.

چرا اسم خبوشان برای شما مهم بود؟

چون خبوشان همان شهر باستانی خراسان است که اکنون به قوچان مشهور است و زادگاه من هم قلعه آقاییگلر در جنوب آن قرار دارد. مطالعات من درباره خبوشان موجب شد تا نظرم به عظمت منطقه خراسان از نظر علمی، ادبی، فرهنگی، سیاسی و وسعت این ناحیه جلب شود. هر چه بیشتر روی این موضوع کار می کردم، وسعت این سرزمین پهناور، بیشتر مرا به شگفتی می آورد. متوجه شدم که از قرن سوم هجری تا ظهور مغولان ویرانگر، تمام شهرها و روستاهای این منطقه مرکز نشر علم، فضیلت و دانش و هنر بوده اند. دانشمندان این منطقه در علوم گوناگون در صف اول قرار داشتند و مثل ستارگان فروزان می درخشیدند.

من با شور و اشتیاق این کار را آغاز کردم و همه طبقات اهل فضل از قدیم و جدید و متجدد و سنتی مرا تشویق کردند. تمام درهای کتابخانه ها تا به امروز به رویم باز بوده اند. چند سال کتاب های جغرافیایی را مطالعه کردم و حدود خراسان بزرگ را به دست آوردم و سپس موضوع هایی درباره رجال و علمای اهل ادب را از کتاب ها بیرون کشیدم. در این هنگام متوجه شدم که کتاب های چاپ شده از عربی و فارسی در بر گیرنده همه ابعاد علمی و فرهنگی این ناحیه نیستند و باید به کتابخانه های مختلف بروم.

نخست از کتابخانه های تهران، کتابخانه ملی ملک در بازار بین الحرمین، کتابخانه مجلسی، کتابخانه سپهسالار، کتابخانه ملی ایران و کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران شروع کردم. تعداد قابل توجهی کتاب هم در کتابخانه های مدارس مانند مروی پیدا کردم و این موضوع آغاز دیدار من از کتابخانه های ایران و خارج از کشور شد.

درباره این کتابخانه ها بگویید.

چون منطقه خراسان قدیم پهناور بوده، به تمام کشورهای همسایه مانند افغانستان، پاکستان، تاجیکستان و ترکمنستان و کشورهای هند و مصر و به شهرهای مکه، مدینه و نجف اشرف رفتم. از طرفی دریافتی در کشورهای اروپایی نیز نسخه های خطی زیادی از فرهنگ و معارف اسلامی وجود دارند که این کتاب های علمی در دوران گذشته توسط دلالان کتاب و گروهی از متولیان در اختیار اروپاییان قرار گرفته اند. از طرف دیگر در جنگ هایی که بین مسلمانان و اروپاییان انجام گرفت کتاب های زیادی از کشورهای اسلامی غارت و به اروپا برده شدند. کتاب های زیادی از مخطوطات اسلامی هم در کتابخانه ها و مجموعه های شخصی

اند که کسی از آنها اطلاعی ندارد به همین دلیل عازم اروپا شدم و از تمام کتابخانه های معروف لندن، موزه بریتانیا، دانشگاه آکسفورد و کتابخانه ملی پاریس، بلژیک، آلمان و کتابخانه های کشور ترکیه دیدن کردم. بعد از آن چندین بار دیگر به هندوستان سفر کردم و بعد از پنج سفر به هندوستان و

دیدن بیش از ۴۰ کتابخانه و هزاران نسخه خطی، سفری به اتحاد جماهیر شوروی داشتم و به سن پترزبورگ رفتم و از تمام کتابخانه های خاورشناسی و موزه هایی نظیر آرمیتاژ دیدار کردم.

چه هدف یا اهدافی را در این سفرها دنبال می کردید؟

در تمام این سفرها هدفم این بود با تمام کسانی که اطلاعاتی دارند تبادل نظر کنم و برایم مهم نبود که شخص مقابل دارای چه تفکرات و چه دینی است. اعتقاد داشتم انسان باید ریشه های فکری خودش را قوی پایه ریزی کند تا در برابر هر تفکری لغزش پیدا نکند. من با همه این گروه ها به گفت و گو می نشستم و بحث می کردم. این نکته را هم باید بگویم که انگیزه همه این سفرها ملاقاتی بود که در سال ۱۳۴۴ در عتبات عالیات داشتم.

ملاقات با چه کسی؟

مرحوم شیخ آقاییزگ تهران می بودند. ایشان یکی از استادان بزرگ فن نسخه شناسی بود. در ملاقاتی که با ایشان داشتم هدفم را از تحقیق درباره خراسان گفتم. ایشان آن روز در سن ۹۰ سالگی بودند. چند لحظه سکوت کردند و گفتند: شما جوانی، همت کن. کار عظیمی جلوی راه شما قرار دارد. امروز که ۸۳ سال از عمرم می گذرد هنوز برای فرهنگ خراسان کار می کنم و همچنان عاشق و شیفته کتابم.

تاکنون چند جلد از فرهنگ خراسان به چاپ رسیده اند؟

سال ۱۳۷۰ بعد از سی سال تحقیق و سفرهای متمادی، نخستین نسخه آن را به چاپ رساندم و تاکنون ۹ جلد آن به چاپ رسیده اند که دو جلد آن فقط به شهر مقدس مشهد اختصاص دارند. جلد نخست آن از حرم مطهر امام رضا(ع) آغاز شده و درباره همه بناهایی که در زمان شهادت امام تاکنون ساخته شده و حوادثی که در این سال ها برای حرم به وجود آمده، به طور مفصل بحث کرده است و حداقل ۱۰ الی ۱۵ سال دیگر زمان می برد تا بتوانم تحقیقاتم را کامل کنم. هر چند این روزها حال خوبی ندارم و با چند نفر از دوستان صحبت کرده ام که این راه را ادامه بدهند. درواقع منطقه خراسان به قدری گسترده است که می توان یک دایره المعارف صد جلدی از آن به چاپ رسانید. خود کوه هزار مسجد تا ارتفاعات بینالود دریایی از اطلاعات است.

شما در طول این زمان ها با علمای بزرگی دیدار کرده اید. چه کسانی از آنان بیشتر پیگیر فرهنگ خراسان بودند و در این راه به شما کمک کردند؟

یکی از این افراد، عالم گرانقدر علامه امینی بودند که کتاب "الغدیر" را تألیف کردند. آشنایی من با ایشان به سال ۱۳۳۵ در نجف اشرف بر می گردد. ایشان کتابخانه امیرالمؤمنین را تأسیس کرده بودند و هر آنچه در این زمینه به من کمک می کرد در اختیار من گذاشتند. آن سال ها با مراجع عالیقدر مانند سید محسن حکیم، حاج سید ابوالقاسم خوبی و آیت الله العظمی مرعشی نجفی آشنا شدم که همه آنها پیگیر تلاش من درباره فرهنگ خراسان و مسائیدی که درباره اهل بیت نوشته بودم شدند.

گفته می شود که شما ملاقاتی هم با امام موسی صدر داشتید.

بله. ملاقات من با ایشان در بیروت بود. یک دوره مسندالرضا را از ایران با خود بردم و درباره کارهایم با ایشان صحبت کردم. ایشان گفتند: من در نظر دارم در لبنان کتابخانه ای را تأسیس کنم و می خواهم شما مدیریت این کتابخانه را در دست بگیرید که به ایشان گفتم عازم حج و سفر به چند کشور عربی ام.

شما به مسندالرضا اشاره کردید. یکی از کارهای عظیمی که شما انجام داده اید تألیف مسند انمه اطهار است. نخستین مسند را درباره چه کسی و چه زمانی نوشتید؟

نخستین مسند من مربوط به حضرت عبدالعظیم حسنی(ع) است. سال ۱۳۴۰ زمانی که کتاب های شیخ صدوق، مفید و طبری را مطالعه می کردم، متوجه شدم از حضرت عبدالعظیم اخبار و احادیث بسیاری وجود دارند در حالی که تا قبل از آن، ایشان را فقط به عنوان یک امامزاده می شناختم و از شخصیت علمی، فقهی و ادبی ایشان بی اطلاع بودم. همین موضوع باعث شد تمام اخباری را که از ایشان نقل شده، بیابم. این کتاب برکات و فواید علمی، معنوی و مادی بسیاری برای کارهای بعدی من داشت. حضرت عبدالعظیم(ع) چهار امام معصوم را در زمان حیات خود درک کرده است. به همین دلیل تمام روایات نقل شده را در کتابی نزدیک به ۳۰۰ صفحه به زبان عربی و فارسی به چاپ رساندم.

مسند نویسی چه تفاوتی با مرسل دارد؟

مسند یعنی روایاتی که با سند کامل نقل می شوند یعنی از فلان بن فلان بن فلان، تا برسد به خود امام معصوم اما مرسل، حدیث را از امام نقل می کنیم؛ بدون ذکر تمام واسطه ها.

مسند نویسی اهل بیت را از کدام امام معصوم آغاز کردید؟

مسئله اهل بیت از امام رضا(ع) آغاز می شوند. خود حضرت مایه برکت کارهای بعدی من شدند. این مسند در دو جلد تألیف و چاپ شده است. اصل مسند نویسی من که تا امروز به بیش از ۷۹ جلد می رسد به برکت امام رضا(ع) است.

چرا اول از امام رضا(ع) شروع کردید؟

من ابتدا در فکر مسند نویسی نبودم ولی زمانی که درباره فرهنگ خراسان که بخش عمده ای از آن به شهر مقدس بر می گردد تحقیق می کردم، کتابی مستقل درباره احادیث علی بن موسی الرضا نوشتم و نامش را مسندالرضا گذاشتم. سال ۵۲ وقتی کتاب چاپ شد، یک جلد از کتاب را به مرحوم آیت الله میلانی هدیه کردم و تشویق ایشان باعث شد که مسانید همه امامان(ع) را بنویسم.

شما تنها دارنده نشان پرافتخار رضوی هستید. چه شد که به این نشان دست یافتید؟

این نشان در زمان ریاست جمهوری آقای خاتمی به من اهدا شد و به خاطر کتاب هایی بود که درباره امام رضا(ع) و خراسان نوشتم و برایم خیلی ارزشمند است. انشاءالله تصمیم دارم آن را به موزه امام رضا(ع) اهدا کنم. در طول این سال ها چندین بار کتاب هایم جزو کتاب های برتر سال شده اند و تمام این لوح ها که در کتابخانه ام قرار دارند، برایم گرانقدرند اما آن نشان، جایگاه ویژه ای دارد.

مسانید اهل بیت در چند بخش چاپ شده اند؟

مسند حضرت زهرا(س) یک جلد، مسند امام حسن(ع) در یک جلد، امام حسین(ع) در سه جلد، امام سجاد(ع) در سه جلد، امام محمد باقر(ع) در شش جلد، امام صادق(ع) در ۲۲ جلد، امام موسی بن جعفر(ع) در سه جلد، امام رضا(ع) در دو جلد، امام جواد(ع)، امام هادی(ع) و امام حسن عسکری هر یک در یک جلد و مسند امام علی(ع) در ۲۷ جلد به چاپ رسیده اند.

چرا مسند امیرالمؤمنین اینقدر طولانی است؟
مسند امیرالمؤمنین از همه مسندهای امامان مشروح تر و در ۲۷ جلد چاپ شده است.

علی(ع) چهارساله بود که به خانه رسول الله(ص) رفت و در دامان آن حضرت بزرگ شد. بعد از ظهور اسلام، نخستین مسلمان و نخستین نمازگزار بود. او همیشه کنار پیامبر بود. هشت جلد آن مسند تاریخ زندگی آن حضرت از تولد تا شهادت و شش جلد آن فضایل و مناقب آن حضرت است. در هفت جلد آن عقاید و احکام و تفسیر قرآن و دعا از طریق اهل بیت است. یک جلد آن از طریق اخبار زبده و اسماعیلیه است و دو جلد آن هم اخبار اهل سنت است و یک جلد آن روایان آن حضرت هستند.

شما علاوه بر مسند امیرالمؤمنین، کتاب های زیادی درباره نهج البلاغه تألیف کرده اید. تفاوت این گونه تألیف های شما با دیگر تألیف های مربوط به نهج البلاغه در چیست؟

سال ۱۳۶۵ شمسی مقارن با هزارمین سال تألیف نهج البلاغه بود که در نظر گرفتم متنی از نهج البلاغه را با قدیمی ترین نسخه مقابله کنم. بعد از تحقیق، نسخه های قدیمی را به دست آوردم و با کتاب شناسان به گفت و گو نشستیم.

پس از مدت های تحقیق، نسخه هایی از این کتاب را که در قرن ۵ و ۶ نوشته شده بودند، پیدا کردم. سال ۱۳۶۰ به هندوستان سفر کردم و نسخه کتابخانه دانشگاه علیگر هندوستان را که در ۱۸۰ صفحه تحریر شده است، دیدم. در طول ۷ ماه در هندوستان حدود چهل کتابخانه را برای دیدن نسخه های خطی مورد بررسی قرار دادم و از آنها بهره گرفتم. در نهایت پنج نسخه از متن نهج البلاغه را که در قرن ۵ و ۶ تحریر شده بود در کتابخانه خصوصی یافتیم و کار تصحیح را آغاز کردم.

علاوه بر تصحیح نهج البلاغه چه فعالیت هایی در این زمینه انجام داده اید؟

تألیف کتاب علمای خراسان و نهج البلاغه پاسخ به معاندان نهج البلاغه، اجازات نهج البلاغه و کتابی در زمینه گرد آوردن سخنان علی(ع) و زندگانی سید رضی را انجام داده ام و به تصحیح متون حدائق الحقایق، منهاج البراعه، اعلام نهج البلاغه و شرح نهج البلاغه پرداختم.

با توجه به این که شما سال ها در زمینه مسند نگاری تحقیق کرده اید، اگر کسانی بخواهند این راه را برگزینند چه مسیری را باید طی کنند؟ چون شرط اصلی، شناخت احادیث صحیح است.

نخست آن که باید عشق و علاقه راستین داشته باشند. در همه زمان ها تعداد زیادی از نویسندگان کتاب می نویسند اما همیشه نویسندگان چند دسته اند؛ یک گروه اجیر می شوند تا کتابی را با موضوعی خاص بنویسند. در این اوضاع نویسنده باید به سلیقه سفارش دهنده، کتاب بنویسد. گروهی دیگر به دلیل باورهای سیاسی خود کتاب می نویسند که بعضاً ماندگار نیستند اما افرادی هستند که فقط و

فقط به خاطر عشقشان کتاب می نویسند. برای مسند نویسی هم باید جزو این گروه باشید. کسی که می خواهد مسندنگاری بکند، باید اول کتاب حدیث را بشناسد و به ادبیات مسلط باشد و اگر وارد مسیر درست شود، خودش بعد از سال ها می تواند حدیث درست را تشخیص دهد.

در بین محدثان شیعه، نسبت به علمای اهل سنت مسندنگاری کمتر است؟

خیر. در بین علمای اهل سنت ۴ یا ۵ نفر مسندنگار بیشتر نیستند و بیشتر آنها مصحح اند؛ در واقع اهل سنت از صحابه نقل می کنند اما شیعیان سخنان ائمه اطهار(ع) را جدا از پیغمبر نمی دانند.

مسندی هم درباره حضرت مهدی(عج) تألیف کرده اید؟

درباره ایشان مسندی نمی توان نوشت زیرا مسند یعنی سند دار بودن مطلب و نیازمند شاگرد و استاد و داشتن حوزه درسی است. البته هر یک از مسانید یک کتاب الغیبه دارد.

شما در تمام کارهای تحقیقاتی خود به تنهایی فعالیت کرده اید یا کسانی در این راه به شما کمک کرده اند؟

از آغاز سال ۱۳۴۰ تا به امروز کار تحقیقاتی را به تنهایی انجام داده ام و تنهایی به سفرهای زیادی رفته ام. در بخشی از سفرهایم با پای پیاده مناطق دیدنی آنجا را مثل افغانستان پیموده ام. روش کار من اینگونه است که بعد از تحقیق، کتاب هایم را فیش برداری می کنم و بعد می نویسم و بعد از حروفچینی، خودم دوباره تصحیح می کنم و توسط انتشارات خودم (عطارد) چاپ می کنم و در همین کتابخانه که وقف امام رضا(ع) کرده ام، می فروشم. تا به امروز هیچ

تبلیغی برای کتاب هایم انجام نداده ام و اکثر کتاب هایم حتی "مسند امیرالمؤمنین" که ۲۷ جلد دارد را فروخته ام و نیاز به چاپ مجدد دارد. در هیچ اداره و مکانی مشغول به کار نشده ام، حتی کار تدریس هم انجام نداده ام و با خودم عهد کردم تمام وقتم را صرف مسندنگاری برای اهل بیت و فرهنگ خراسان بکنم.

شما دائماً در سفر بودید. در این سفرها خانواده شما کنارتان نبوده اند؟

به دلیل کارهای تحقیقاتی دیر ازدواج کردم. ازدوادم در سال ۱۳۵۱ بود و اکثر سفرهایم تا قبل از آن سال ها انجام شده بودند. البته بعد از ازدواج به اتفاق همسر به یمن، قاهره و هندوستان رفتیم. اما بعد از این که صاحب فرزند شدیم، ایشان نتوانستند همراه من در سفرها باشند.

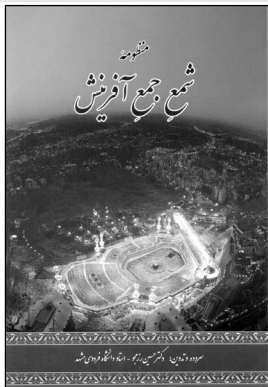
تاکنون چند جلد کتاب از شما به چاپ رسیده اند؟

بیش از ۱۵۰ جلد و صد جلد دیگر هم نوشته شده که هنوز به چاپ نرسیده اند.

چه کتاب هایی در دست تحقیق دارید؟

بخش های باقیمانده از فرهنگ خراسان، علما و ادبای تهران، عطاردی ها در تاریخ، لغات فارسی در زبان عربی، اعلام شاهنامه، فرهنگ جغرافیای شاهنامه، لغات عربی در شاهنامه، دایره المعارف شیعه امامیه، فرهنگ سیستان، زابلستان و نیمروز. از زمانی که مشغول تحقیق درباره خراسان شدم توجهم به منطقه سیستان و ارتباط نزدیک این منطقه با خراسان از نظر تاریخی و فرهنگی جلب شد. انشاءالله اگر عمری باقی بماند تا سال ۱۴۰۰ خورشیدی این تحقیق را به سرانجام رسانده و به چاپ خواهم رساند.

یک کتاب خواندنی و آموزنده از دکتر رزمجو



بدان اشاره کرده این است که: با آنکه در قلمرو ادبیات هزارساله فارسی، گویندگانی بزرگ: آثار فراوانی در قالب های متنوع شعر از قصیده، مثنوی، غزل، ترجیع بند تا مسمط، ترکیب بند و دیگر قوالب شعری در بزرگداشت پیشوایان راستین اسلام خلق کرده و از این رهگذر ارادتشان را به پیشگاه خاندان عصمت و طهارت(ع) - به زیباترین وجه بیان داشته اند، ولی تا آن جا که نگارنده

تحقیق کرده و می داند: تاکنون منظومه ای نظیر این مثنوی که در آن یک جاد در نعت چهارده معصوم(ع) - از نبی اکرم(ص) تا امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، آن هم به تفکیک و تفصیل اما پیوسته و مستند به منابع و مأخذی موثق - در یک هزار و چهارصد و شصت و دو بیت سروده و در واقع دورنمایی از زندگانی پربرکت ایشان را به تصویر کشیده باشد، وجود ندارد. و مآلاً شاید این نکته مزیتی منحصر به فرد برای اثر حاضر محسوب شود. و ضمناً فتح بابی باشد برای شاعران دین باوری که قصد دارند در آینده پیرامون منزلت پیامبر اکرم(ص) و خاندان بزرگ او طبع آزمایی کنند و آثاری را به وجود آرند.

بحث درباره ویژگی ها و بررسی سبک نگارش و سرایش شمع جمع آفرینش نیاز به مقاله ای مستقل دارد و در اینجا اشاره ای به مقدمه ناشر محترم می نمایم و مطالعه اصل کتاب را توصیه می کنیم:

جناب دکتر حسین رزمجو، در منظومه شمع جمع آفرینش تلاش کرده اند تا در قالب شعر و با استفاده از ادبیات منظوم: یگانگی، جلال و جمال خداوند، همچنین برخی از اوصاف چهارده معصوم علیهم السلام را با زبان بلیغ و صنیع شعر، پیش چشم مخاطب نهند و به شیوه ای کاملاً بدیع و از زاویه ای کاملاً متفاوت و تازه به شرح اوصاف

تاریخ اسلام در پرواز، و ناخودآگاه بیت ذیل در ستایش این دو انسان کامل - بل اکمل - در ذهنم شکل گرفت و این گونه به قلم آمد:

محمد(ص) شمع جمع آفرینش علی(ع) سرحلقه ارباب پیشش

در این لحظات خاص، که شاید جز با صفت پدرک و لایوصف نتوان به توصیف آن پرداخت، گویی سروشی از غیب در گوش جانم چنین گفت و این بنده کوچک خدای را بر آن داشت تا همتی کند و به شیوه و سنت قدما - یا گویندگان عارف و حکیمی نظیر: فردوسی، سنایی، عطار، نظامی و سعدی و... مثنوی بسراید که حسن مطلع آن توحید و صفات جلاله و جماله پروردگار هستی باشد. و پس از آن - اگر بتواند - دورنمایی از مسیر تکاملی حیات روحانی انسانی را ترسیم کند. و موانع و لغزشگاه هایی را که در این راه وجود دارد بنماید، همچنین نیاز آدمی را به رهبران الهی - به منظور پیمودن آن طریق مدلل سازد. و مآلاً در نعت خاتم پیامبران حضرت محمد(ص) که - شمع جمع آفرینش - است، و بزرگداشت راهنام جاوید بشریت - قرآن کریم - و ستایش دوازده ستاره آسمان امامت و ولایت که پیشوایان حقیقی جامعه انسانی هستند، سخن بگوید. و ضمن بحثی در مناقب ایشان، برجسته ترین خطوط از حیات متعالی و مکارم اخلاقی آنان را با یاری خواستن از هنر شعر - که الهام بخش، حسن آفرین و محبت زاست، به صورت منظوم بیان کند - همراه با گزیده هایی از کلمات قصارشان - چنانکه مبتدیان را رهنمون باشد، و مؤمنان آموخته صاحبدل را بر اخلاص بندگیشان بیفزاید! خلاصه: به قول شیخ اجل و استاد سخن: مصلح الدین سعدی: هنوز از گل بستان بقیعی مانده بود... و اواخر دولت ورد رسیده... که توفیق این اثر نصیب گردید و مجموعه شمع جمع آفرینش به سلک نظم در آمد.

و از نکته هایی حائز اهمیت در تدوین و سرایش این اثر ماندگار - همانطور که مؤلف خود

اخیراً چاپ دو اثر معروف و خواندنی از ادیب و شاعر فرزانه: جناب دکتر حسین رزمجو استاد نمونه دانشگاه فردوسی مشهد، که سابقه ای افزون بر پنجاه سال کار موفق در تولید ادبیات متعهد اسلامی با کارنامه ای درخشان را دارا است، توسط مجمع جهانی اهل بیت(ع) در تهران به زیور طبع آراسته شده و به دوستداران کتاب های خوب اهدا گردیده است.

با ذکر این مطلب که کتاب رازها و نیازها در شماره نیمه دوم مردادماه معرفی شده است، اینک در این شماره به معرفی کتاب شمع جمع آفرینش می پردازیم.

شمع جمع آفرینش

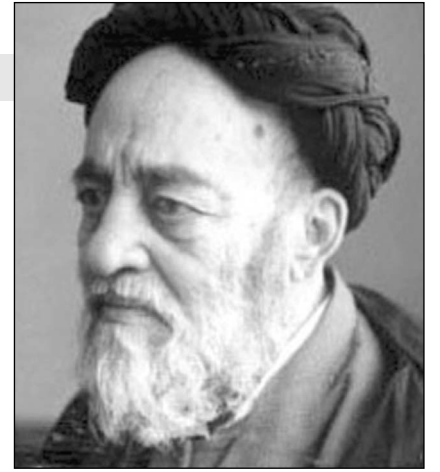
این کتاب که چاپ دوم آن در سه هزار نسخه در اواخر بهار سال جاری (۱۳۹۰ ش) در تهران انجام یافته است، و موضوع آن: درباره یگانگی خداوند متعال، صفات جلال و جمال او، لغزشگاه های انسان در مسیر حیات تکاملیش، نیاز وی به رهبران الهی به منظور طی راه کمال می باشد. و همراه است با ستایش هایی از خاتم پیامبران حضرت محمد(ص) و جانشینان برحق و شایسته ایشان: دوازده امام معصوم تشیع علوی(ع) و عظمت قرآن مجید - کتاب آسمانی اسلام - با پیشگفتاری زیبا و بلیغ که عبارات ذیل آغازگر آن است، خواننده اهداف بلند نویسنده را در تدوین کتاب مذکور این گونه می خواند:

بهارگاه سال ۱۳۸۲ خورشیدی، برای نگارنده این نوشتار روزهایی خوش و فرخنده و موهبتی بود از جانب پروردگار دانای مهربان که به این بنده کوچک - در جریان مطالعاتی که پیرامون تاریخ صدر اسلامی داشتم، ارزانی شد. زیرا در آن هنگام که اندیشه حقیر چونان پروانه ای عاشق در طواف شمع وجود ذهنی شخصیت والای پیشوای اسلام حضرت محمد(ص) و جانشین بلافضلش امام علی بن ابیطالب بود، و مرغ خیال در فضای بیکران

امامان معصوم(ع) پرداخته اند. در این کتاب علاوه بر این که پژوهش جامع و کاملی در خصوص توصیف معصومین علیهم السلام در قالب نظم صورت گرفته است، تمرکز بر جنبه های تربیتی نیز شواهدی زیاد دارد. استاد جلیل القدر: دکتر حسین رزمجو محقق و پژوهشگر و از چهره های ماندگار در ادب معاصر که اخیراً پیشنهاد چاپ کتاب

حاضر را از مجمع جهانی اهل بیت پذیرفته اند، تاکنون بیش از چهل جلد کتاب در موضوعات دینی، ادبی، اجتماعی و... تألیف کرده و ده ها مقاله از ایشان در مجلات معتبر داخل و خارج کشور نشر شده است. آنچه مسلم است: یکی از خلاءهایی که در عصر حاضر در جامعه ما وجود دارد، کمبود کتب اخلاقی، اجتماعی و تربیتی ست. که باید ریشه در وحی و کلام پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار علیهم السلام داشته باشد؛ و این در حالی ست که قرآن کریم و معصومان(ع) سخن خود را با زبانی ساده و بدون پیچیدگی و تکلف بیان می کنند. و این امکان را به همگان می دهند تا از بیکران دریاهای معارفشان بهره گیرند.

مجمع جهانی اهل بیت(ع) به منظور رفع این نقیصه و در راستای رسالت خود که همانا ترویج فرهنگ دینی و معارف اهل بیت(ع) است، کتاب شمع جمع آفرینش را که ماحصل چند سال تلاش عالم و نویسنده متعهد جناب آقای دکتر حسین رزمجو می باشد، به دست چاپ سپرده و ضمن توفیق برای ایشان، رجاء واثق دارد، تا این اثر جذاب و منظوم که در نوع خود فرید و بی نظیر است، برای تشنگان معارف اسلامی - بویژه نسل جوان - مفید فایده واقع شود.



لزوم موافقت طریقت با شریعت

شک نیست که طریقت سیر معنوی و معرفت نفس، در صورت صحت، راه روشنی برای خداشناسی (یا به عبارت دیگر معادشناسی) است و برای کسی که رهسپار این راه گردد و از مخاطرات آن مصون مانده، از پای در نیاید، حق و حقیقت عیان می شود. روی این اصل، آیا متصور است که اسلام که دین توحید است و هدفی جز تعلیم خداشناسی ندارد، بهترین راه از راه های خداشناسی را القا و به بیان و تعلیم راهی نسبتاً پایین تر از آن، پردازد و به منزله ساده تر و بسیط تر از آن هدایت کند؟

درست است که معارف حقیقی در خور افهام عمومی نیست و اسرار هستی و رازهای نهان آفرینش، برای غیر مردان خدا که به تمام معنی دامن کبریای حق را گرفته، همه چیز را فراموش نموده اند کشف نمی شود؛ ولی لازمه این خاصیت، این نیست که از بیان و تعلیم این راه صرف نظر شود، بلکه این است که برای رعایت حال افکار عامه و حفظ حقوق خاصه، بدون اینکه پرده دری شود، در لفافه ایما و اشاره، با لطیف ترین تلویح، مانند سخن در میان سخن، به هر نحو ممکن به افهام خاصه رسانیده شود.

این نظری است که عقل سلیم آن را تصدیق کرده و کتاب و سنت آن را تأیید می نماید. خداوند عز اسمه در کلام خود در مثلی که در خصوص سنت جاریه خود می زند، باران تحقق و هستی را که به سر عالمیان می باراند و همچنین معارف حقیقی را که برای تعلیم و تربیت به افهام بندگان خود نازل می نماید، به بارانی تشبیه می کند که از آسمان به زمین باراند و در نتیجه مسیل ها و دره ها، هر کدام به حسب ظرفیت و گنجایش خود سیلی برداشته، جاری سازد. در پیشاپیش و روی این سیل، کف زیادی مشاهده می شود که با آب مخلوط شده است، ولی بالاخره آنچه کف است، هیچ و پوچ شده و از میان می رود و آنچه به درد مردم می خورد و از آن انتفاع می برند که آب خالص بوده باشد، در زمین مانده و ذخیره می شود. این مثل دلالت دارد بر اینکه بیانات دینی به نحوی تنظیم شده اند که همه افهام با اختلاف زیادی که دارند، از آن بهره مند می شوند و هر کس به فراخور حال و طبق ظرفیت خود، از آنها برخوردار است، و آیات دیگری از قرآن کریم نیز به همین معنی دلالت می کند.

نبی اکرم (ص) در حدیث بین الفریقین می فرماید: «ما گروه پیامبران با مردم به اندازه عقول آنها سخن می گوئیم.» پر روشن است که این حدیث، ناظر به کیفیت بیان و تکلیف است، نه به کمیت آن. منظور حدیث این نیست که نبی اکرم (ص) مثلاً با یکی از افراد امت خود صد جمله سخن گوید یا به وی صد مسئله دینی را تعلیم دهد و به شخص دیگر دویست جمله یا دویست مسئله؛ زیرا بیانات دینی ظاهراً به همه طور یکنواخت القا شده است؛ منظور حدیث این است که مطلب یکی است، ولی هر کس

امام علی (ع)، منشأ پیدایش سیر معنوی

بخش پایانی

گفتاری از علامه طباطبایی

به حسب فهم خود، نوع خطابی مخصوص به خویش دارد. از راه دیگر، قرآن شریف در آیات بسیاری، مردم را به پیمودن راه خدا و گاهی به اتباع راه نبی اکرم (ص) یا راه مؤمنان که همان راه خداست، دعوت می کند و کسانی را که از این راه، سرپیچیده، دوری می جویند، به هلاک ابدی و عذاب الهی تهدید می کند، و هرگز متصور نیست که حکیم علی الاطلاق، راه شریعت را که در همه جا راه خود معرفی نموده، اراده نکند و به جای آن به راهی که هرگز بیان کرده و برای مردم مجهول است، دعوت نماید، و بر تقدیر اینکه راه شریعت را اراده کرده باشد و این همه اسرار در سلوک آن کند، هر راهی که پیمودن آن مستلزم اهمال یا الغای راه شریعت یا بخش هایی از راه شریعت باشد، راه خدا نیست و قطعاً بیراهه گمراهی و ضلال است.

گذشته از اینها، قرآن کریم در آیه سی ام از سوره روم و نیز در آیات دیگری، اسلام را دین فطرت و خلقت معرفی می کند و توضیح می دهد که سعادت حقیقی انسان را دین مخصوص و روش خاصی از زندگی (اعمال حیاتی) می تواند تأمین کند که به خلقت و آفرینش ویژه انسانی انطباق پذیرد. انسان، آفریده مخصوص و جزء غیر قابل انفکاک است از دستگاه عظیم آفرینش، و به همراهی این سازمان پهناور بزرگ، به سوی خدای آفرینش در سیر و سلوک است و باید روش مخصوصی در زندگی خود اتخاذ کند که با مقتضیات آفرینش که خود نیز جزئی از آن است، تضاد و تناقض نداشته باشد. این روش مخصوص، شریعت مقدس اسلام است که مواد اعتقادی و عملی آن در خلقت و آفرینش جهان و انسان منطبق است و انسان را آن گونه که آفرینش پیش بینی کرده و به وجود آورده و در شاهراه سعادت و سیر معاد انداخته، دست نخورده با همان زاد و راحله فطری خویش به راه می اندازد و به سوی آخرین مرحله کمال و سعادت رهبری می نماید. دین حنیف اسلام، انسان را در حال اجتماع پرورش می دهد و یک رشته رفتار و گرفتاری را که نسبت به موقعیت تکوینی او زیان بخش است، تحریم کرده و یک سلسله از اعمال و افعال را که نظر به زندگی جاوید انسان، نافع و سودمند است، ایجاب و دستور اجرا و عمل آنها را صادر نموده است.

در هر حال، هیچ گونه تمیز فردی در اسلام منظور نشده است و به هیچ یک از طبقات مردم اجازه داده نشده که روشی را در زندگی انتخاب کنند یا به اعمال و افعال خاصی پردازند که بیرون از روش های عمومی اسلام باشد؛ زندگی انفرادی اختیار کنند یا از ازدواج و تولد و تناسل یا از کسب و کار سر باز زنند، یا پاره ای از واجبات را از حق شاغل دانسته، به ترک آنها بکوشند، یا برخی از محرمات را مانند معشوق بازی و باده گساری و پرده دری، وسیله وصول به حق و شرط سیر و سلوک قرار دهند، یا ابروریزی و گدایی و هرگونه سبک وزنی را از اسباب تهذیب اخلاق نفس بشمارند.

البته مراد ما از این مخالفت های دینی که بر می شماریم، معصیت ها و تخلف هایی نیست که افراد از راه سستی ایمان و بی اعتنائی به مقررات دین و آیین مرتکب می شوند؛ زیرا این گونه گرفتاری فعلاً همه جهان را فرا گرفته است و اکثریت افراد هر طبقه ای از طبقات دینی، وظایف دینی خود را انجام نداده، راه بی بند و باری را در پیش گرفته اند، و گذشته از اینکه این بحث و گفتگوی ما جنبه تبلیغ ندارد، نمی خواهیم افکار عمومی را علیه کسی یا طایفه ای

بشورانیم و اصولاً آب از سر گذشته است و به کردار و رفتار هر طایفه ای بخواهیم دست زده و خرده گیری نماییم، طوایف دیگر، رنگین تر و ننگین تر از آن را دارند: گر حکم شود که مست گیرند در شهر هر آن که هست، گیرند بلکه مراد ما یک رشته کردارها و رفتارهای بیرون از مجرای شریعت اسلامی است که در سلسله های مختلف عرفان، جزء طریقت قرار گرفته است. **جواب یک اشکال** خلاصه چنان که متن بیانات دینی دلالت دارد بر اینکه یکی از راه های وصول به حقایق دینی و اسرار الهی، راه کشف و شهود است، همچنان دلالت دارد بر اینکه زاد و راحله این راه، همان مواد اعتقادی و عملی است که در کتاب و سنت بیان گردیده و تنها دریچه ای که با باز کردن آن، فضای پاک حقایق به انسان خودنمایی می کند، همان دریچه عمل به شریعت است و بس.

ممکن است کسی تصور نماید که: ما به بسیاری از اهل تعبد و صاحبان زهد و عبادت بر می خوریم که با اینکه کمترین فروگذاری در طاعات و عبادات نمی کنند، کوچکترین قدمی در معرفت حقایق بر نداشته اند. باید متذکر این نکته بود که ساختمان باطنی یک فرد از انسان، مانند ساختمان ظاهری وی مختلف است و اختلافات ترکیبی که در افراد انسان مشهود است، نظیر آنها در ترکیبات باطنی آنان نیز وجود دارد و همچنین نظایر انحرافات مزاجی گوناگون در طبایع افراد، انحرافات و اعوجاجات باطنی نیز وجود دارد. چنان که هر غذایی با اینکه از اجزای طبیعت مأخوذ است، با هر بدنی مناسب نیست و هر دوایی نیز با اینکه از اجزای طبیعت مأخوذ است، با هر مزاجی سازش ندارد، بلکه هر ترکیبی در جایی غذا و در جای دیگر غیر قابل هضم، و در موردی شفا و در مورد دیگر سم است، همین قیاس و نسبت در اغذیه و ادویه روحانی نیز موجود است و دستورات عملی و اخلاقی شریعت، در تقدیس و اصلاح ارواح انسانی، با اختلافات فاحش که در افراد هست، همان حکم دستورات طبی در اغذیه و ادویه را دارند. در شرع اسلام، دواها و سم های عمومی داریم که همان واجبات و محرمات عملی فقهی می باشند و رعایت جانب آنها، برای حفظ کمترین حد لازم از بهداشت روحی انسان ضروری است، و برای به دست آوردن درجات و مراتب گوناگون کمالات روحی، باید قدم های دیگری برای اصلاح و تصفیه حالات روحی برداشت و مجاهدت های دقیق تر و عمیق تری برای تخلیه قلب از غیر یاد خدا و تحصیل اخلاص کامل بندگی نمود که بدون تنظیم دقیق حالات روحی که به دست خبرت و معرفت انجام گیرد، صورت پذیر نیست. از اینجا روشن می شود که مراقبت کامل اعمال دینی از قبیل طاعات و عبادات، همان مرحله عمومی تقوای دینی را نتیجه می دهد و بس، و نیز روشن می شود که سیر در مراتب بعدی کمال و ارتقا و عروج به مدارج عالی سعادت باطنی، دلیل و رهبری می خواهد که انسان با هدایت و راهنمایی وی، قدم در راه گذاشته، به سیر پردازد و در امتداد مسیر، زمام طاعت را به دست وی بسپارد و البته متبوعیت و مطاعیت (دستورات) وی نیز در زمینه مراعات کامل متن شریعت خواهد بود، نه در دستوراتی که به حسب شرع، مجاز شناخته نشده باشد و حلالی را حرام کند یا حرامی را حلال نماید.

حجت الاسلام والمسلمین قرائتی:

کسی برای احیای واجبات

فراموش شده احساس

تکلیف نمی کند

حجت الاسلام و المسلمین محسن قرائتی در مراسم آغاز سال تحصیلی جدید مرکز تخصصی مهدویت در سخنانی بیان داشت: تا چند ماه دیگر انتخابات است و برای انتخابات پنج هزار نفر احساس تکلیف و وظیفه شرعی می کنند اما برای احیای واجبات فراموش شده مانند زکات و ... کسی احساس تکلیف نمی کند.

وی خطاب به مبلغان و طلاب اضافه کرد: تا واجبی وجود دارد برای تبلیغ سراغ مستحبات نروید و تا واجب فراموش شده ای هست سراغ واجبات بورس نروید.

قرائتی ادامه داد: اگر حدیثی را بلد هستید و خودتان نمی توانید آن را در تلویزیون و برای مخاطبان میلیونی مطرح کنید به فردی که می تواند یادآوری کنید تا برای مردم بازگو کند.

رئیس ستاد اقامه نماز کشور با تأکید بر پرداختن به پژوهش های ضروری و مورد نیاز در کشور بیان داشت: یکسری پژوهش ها و تحقیقاتی که انجام می شود نه واجب و نه مستحب و مشکلی از مشکلات مردم را حل نمی کند.

وی اظهار داشت: گاهی ما از برخی امور غفلت داریم و خود را اسیر القاب و عناوین می کنیم و قرآن غافلان را در ردیف چهارپایان می داند.

رئیس ستاد اقامه نماز کشور گفت: در حالی که مبلغان مسیحی و دیگران تلاش زیادی دارند ما نباید کم کاری و غفلت داشته باشیم.

موسس مرکز تخصصی مهدویت با بیان اینکه دروس باید جهت دار باشد ادامه داد: در تفسیر قرآن رعایت چند اصل لازم است، تفسیر باید سئوالات جامعه را پاسخ دهد، ظلمتی را به نور تبدیل کند دردی را شفا دهد.

وی با بیان اینکه یادگیری ادبیات برای طلبه لازم است اما حفظ الفیه نه واجب، نه مستحب است و من به آن اعتقادی ندارم زیرا باید علمی را فراگیریم و تبلیغ کنیم که به درد مردم بخورد.

قرائتی با بیان اینکه باید مقتضیات زمان را در تبلیغ مورد توجه قرار دهیم اظهار داشت: بخشی از عمر ما صرف اموری می شود که نه واجب و نه مستحب است و نه نیازی از فرد و نه نیازی از جامعه را رفع می کند.

رئیس ستاد اقامه نماز کشور طلاب را بر پرهیز از لقب گرایی و عنوان ترغیب و تأکید کرد: اگر درصدد این امور باشیم راه پیشرفت ما کند می شود.

وی با اشاره به فعالیت های مرکز تخصصی مهدویت با بیان اینکه این مرکز با کمترین امکانات در حال اداره شدن است تصریح کرد: این مرکز در سال گذشته موفق شده هزار و ۵۰۰ سفر تبلیغی برای متخصصان خود داشته باشد و در تابستان امسال نیز ۶۳۰ کلاس مهدویت در مجتمع یاوران مهدی (عج) در جمکران برگزار کرده است.

اخوان المسلمین در نگاهی دیگر...

هو الحق
مدیریت محترم ماهنامه
وزین نسیم بیداری
با سلام و درود محترماً
اشعار می دارد: شماره ۱۸ مجله
- مورخ تیرماه - ۹۰ به دستم
رسید و طبق معمول از مقالات
و بررسی های آن بهره مند
شدم. بویژه از مصاحبه برادر
ارجمند و عزیز آقای محمد
منهاج - درباره لیبی و سرهنگ
قذافی - که متأسفانه اکنون
دیگر در میان ما نیست، یادش
بخیر باد.

به مقاله آقای جودکی
برادر محترم دیگر که رسیدم،
انتظار شناختی دقیق و تحلیلی
جامع و کامل درباره مصر و
اخوان المسلمین را داشتم،
بویژه که ایشان به مدت سه
سال در قاهره و در نمایندگی
سیاسی جمهوری اسلامی
ایران، به عنوان رایزن فرهنگی
با ما همکاری صمیمانه ای
داشت و بحق باید گفت که
مانند دوران مأموریت در ترکیه
- استانبول - که بارها ایشان را
در آنجا ملاقات کردم و
مشترکاً به دنبال پی گیری
بعضی از مسائل مربوط به
روابط فرهنگی ایران و ترکیه
بودیم، در قاهره نیز در دائره
تاریخ و فرهنگ، کوشا و فعال
بود.



بررسی دوره‌ای روبروی اخوان المسلمین مصر

طالبان یا عدالت و توسعه

حجت‌الله جودکی



در شرایط حفقان سیاسی، داری کادر ورزیده‌ای است. به مثابه تشکیلات قوی به حساب می آید که بسیاری از مسائل آن، همچنان در پرده ابهام قرار دارد. این گروه در سال‌های اخیر در هم‌راهی با تحولات مصر، شعارهای متعددی مطرح کرده است. شاید مهم‌ترین شعار ایشان در سال‌های گذشته «اسلام‌الحوال» باشد. یعنی اسلام تنها راه حل محسوب می‌شود. البته هنوز ماهیت اسلام ایشان در صحنه عمل آزمون نشده است. به قول یکی از نویسندگان مصری، ایشان تاکنون در حال دعوت بوده‌اند و مجال سبزی، خدمت، ایثارند. لذا از زیبایی عملکرد ایشان زمانی کاملاً بی‌خبر است که در عمل، درستی یا نادرستی دعوت خود را به اثبات برسانند.

اخوان المسلمین در سال ۱۹۲۸ توسط شیخ حسن البنا در کشور مصر تأسیس شد. در سال ۱۹۴۸ توسط قزاقی بنیاد شد.

در دهه آخر حکومت مبارک که فضای سیاسی مصر، بازتر شد و اخوان همچون سایر گروه‌های مبارز به انتشار روزنامه و مجله پرداختند، شناخت مردم نسبت به این گروه بیشتر شد. آنها نیز در تعامل با مردم و با استفاده از این فضای باز به تصحیح برخی از روش‌های خود پرداختند. با این وجود، تحلیل گران بر این باورند که اخوان، فقط روش و تاکتیک خود را عوض کرده، نیتسیری در ماهیت اصلی ایشان پیدا نکرده است.

هم در پرده ابهام قرار می‌گیرد که معلوم نیست مراد نویسنده محترم از این مسائل در پرده ابهام، چیست و کدام است؟

۵- انتخاب شعار اصولی
الاسلام هو الحل، چه ربطی به عدم آزمایش ماهیت اسلام ایشان! -هکذا! دارد؟ اخوان اسلام خاصی ندارند ولی تاکنون زمینه ای برای اجرای اهداف اسلامی خود در سیاست کلی کشور نداشته

اند، اما در مواردی که به عنوان یک سازمان خیریه مستقل - مسائل فرهنگی، اقتصادی، بهداشتی، آموزشی، خیریه و غیره - اقدام کرده اند، که کاملاً امتحان نیک و موفقیت آمیزی داشته اند و به همین دلیل هم پس از سرکوبی های فاروق و ناصر و سادات و مبارک و باندهای مافیائی وابسته به آنها، اخوان همچنان به عنوان نیرومندترین و متشکل ترین سازمان سیاسی مصر باقی مانده است.

۶- همکاری جوانان
وابسته به اخوان که اکثریت اعضای سازمان را تشکیل می دهند، با جوانانی که خواستار انقلاب بودند، به عنوان اقدامی خودسر! و یا انشعابی از سوی آنان نبود، بلکه به

دستور مکتب ارشاد، آنان در کنار جوانان غیر حزبی، انقلاب جوانان را سروسامان دادند و حتی می توان گفت که در پشت پرده، آن را رهبری کردند...

۷- نویسنده محترم ادعا می کند که پس از کناره گیری مبارک - که البته سقوط بود نه کناره گیری - اخوان حزب آزادی و عدالت را تأسیس کردند و جنبش اصلی اخوان به فعالیت خیریه خود ادامه داد!؟ دوست ما لابد می داند که اصولاً تأسیس جمعیت اخوان المسلمین توسط شهید حسن البنا، بر مبنای امور خیریه و فرهنگی بوده و سرکوب آنها توسط دیکتاتورهای شاهی و جمهوری هم به این بهانه بوده که این جمعیت اصولاً به عنوان جمعیتی خیریه تأسیس شده و حق فعالیت سیاسی ندارد...

حضور در عمل سیاسی، اخوان حزب آزادی و عدالت را تأسیس نموده و به موازات آن سازمان اصلی خود را هم حفظ کرده تا به برنامه های قبلی ادامه دهد و معلوم نیست که در کجای این تفکیک، اشکالی وجود دارد که موجب ابهام می گردد؟

۸- باز به ادعای ایشان گویا فردی از اخوان؟ علیه جامعه مدنی حرفی زده و دمکراسی رارد کرده و بعضی هم خواستار ازدواج با زنان اخوانی شده اند و یا حتی کسانی را که در فراندوم قانون اساسی شرکت نکردند، تکفیر نموده اند! و قبطی ها را هم از خود دور ساخته اند... این برداشت عجیب و غریب، موجب ناامیدی انسان می شود... اگر کسی در ایران، به نام دین، مخالف جامعه مدنی و دمکراسی باشد، آیا این به معنی و مفهوم طرد گروه های دیگر است؟ قبطی های مصر خوب می دانند که در میان مصری و اسلام گرایان، این اخوان المسلمین هستند که با تمام قوا از آن ها حمایت می کنند و از سوی دیگر معاون دوم حزب جدید اخوان، یک قبطی مصری است.

۹- از همه جالب تر آنکه گویا اخوان کسانی را که تندرو و قبطی، با تعدادی از مردم کشته شدند. این مسأله تا اندازه ای باعث انشقاق مردم شد. از طرف دیگر، شورای عالی نظامی، قوانین حالت فوق العاده لغو کرد و تعدادی از جوانان انقلابی را دستگیر و اسفاده از همین قوانین، آن‌ها را به زندان انداخت - حدود ۱۵۰ نفر - در مقابل، تعدادی از رهبران رژیم مبارک را دستگیر و اعدام کرد. در فاصله بعد از کناره گیری مبارک تاکنون، اقداماتی سوسی اخوان المسلمین انجام شد که قابل تأمل است. آنان در ابتدا حزب آزادی و عدالت را پایه گذاری و اعلام کردند که جنبش اخوان المسلمین نیز سه فعالیت خواهد داد: خودادامه خواهد داد. در این فاصله برخی از رهبران اخوان المسلمین سخنانی بر زبان راندند که باعث رنج گروه های دیگر شد؛ مثلاً یکی از ایشان علیه جامعه مدنی صحبت کرد و گفت که دموکراسی به معنای دولتمدار احکام خداست. برخی از سلفی ها هم از تجارت برده سخن به میان آوردند. اعلام کردند که مردان اخوان باید با زنان باطنی ازدواج کنند. همچنین آنان اعلام کردند که چیزی به نام اسلام چپ و راست و میانه و چپ و راست وجود ندارد. آنان کسانی که در فراندوم تعدیل قانون اساسی رای منفی دادند، را تکفیر کردند و دوباره و برخلاف گذشته، آن جامعه مدنی و پوستن قبطی ها به جنبش اخوان المسلمین سخن می گفتند. شعار الاسلام هو الحل را سر دادند. مجموعه این مسائل باعث شد تا بسیاری از مردم و روشنفکران نسبت به اهداف و نیتات رهبران اخوان المسلمین ظن شوند و در صداقت آنها شک کنند. مسائل اخیر نشان داده اخوان المسلمین، به دنبال دستیابی به قدرت هستند؛ از این رو همه خود را از اسلام چپ و راست جدا کردند. تا در مجلس آینده حضور نیرومندی داشته باشند. اگر چه خود ایشان پیشین درستی از وزن خود در انتخابات آن ندارند. به همین دلیل، تاکنون از دستیابی به ۲۰ درصد ویز دیگر ۵۰ درصد و اخیراً ۷۰ درصد از کرسی های مجلس آینده خبر داده اند. میان مسئولان آن سرگردمی اخوان در ایران تاکنون آنها نواشته اند. یعنی از کرسی های پارلمان آینده نامزد مشخص کنند.

در فراندوم شرکت نکرده اند تکفیر! نموده اند و این عجیب ترین فراز از تحلیل غیر منطقی آقای جودکی عزیز است. اخوان که در مصر - و همه جا پرچمدار مبارزه با هر نوع تکفیر هستند، چگونه می توانند برای یک امر سیاسی، کسان دیگر را تکفیر کنند؟

۱۰- و ناگهان ایشان از راه دور! آمارگیری نموده و نتیجه گرفته که نسبت به بسیاری از مردم و روشنفکران نسبت به اهداف رهبران اخوان ظنن شوند و در صداقت آنها شک کنند! من البته نمی دانم نامبرده چگونه و با کدام وسیله و تکنولوژی جدید توانسته از توهم بسیاری از مردم مصر آگاه شود که گویا نسبت به اخوان ظنن شده و در صداقت آنها هم به شک افتاده اند!؟

ظاهراً در مواردی، انسان وقتی خود در امری شک و سوء ظن دارد، دچار توهم می شود و خیال می کند که بسیاری از مردم! هم دچار شک و تردید هستند، در صورتیکه این استنتاج منطقی نیست و در همه جا نمی تواند صادق باشد.

۱۱- برخلاف تصور نویسنده محترم، اخوان هیچوقت به دنبال کسب قدرت نبوده اند و تقریباً همه رهبران اصلی آن - مرشدها - بطور صریح و شفاف اعلام داشته اند که آنها از هر حکومتی که احکام اسلامی را اجرا کند پشتیبانی خواهند کرد و خود به فکر حضور فیزیکی در سلطه ظاهری نیستند... و از سوی دیگر اخوان پس از سقوط مبارک هم با توجه به شناختی که از جامعه و کشور خود دارند، هرگز نگفته اند که می خواهند ۷۰٪ کرسی های مجلس را بدست آورند، - در حالیکه

زمینه، کاملاً مساعدی برای این امر دارند - ولی از روز نخست سخنگویان رسمی اخوان، صحبت از ۳۰٪ کرسی ها را مطرح ساخته اند و بی تردید سازمان که در دوران مبارک می توانست برای ۱۵۰ منطقه کاندیداهای خود را به عنوان افراد مستقل معرفی کند و ۸۰ نفر را به پارلمان بفرستد. در دوران آزادی پس از انقلاب می تواند برای همه مناطق انتخاباتی نامزد معرفی نماید... ولی اخوان تمایل دارد که با توجه به بافت و ساختار جامعه مصری همه گروه ها و سازمان ها در انتخابات شرکت کنند

برای اداره امور کشور از همه نیروهای خلاق استفاده شود... البته در برهه ای از دوران مبارک به یاد داریم که اخوان حتی با حزب سکولار الوفد ائتلاف کرد و نمایندگانش را به مجلس فرستاد... و با چنین سعه صدری، اتهام آنحصار طبیبی بر اخوان، ناروا و حتی غیر مشروع است.

۱۲- در مورد موضع اخوان درباره ایران، غیر منصفانه ترین داوری ها، توسط دوست عزیز ما مطرح شده که به هیچ وجه با حقیقت و واقعیت وفق نمی دهد. ایشان می نویسند: اخوان مصر در مورد ایران مواضع روشنی ندارد. در آغاز انقلاب از آن دفاع کردند. پس از درگذشت احمد مفتی زاده به تبلیغات علیه ایران پرداختند و در دوران مبارک، برخی از آنان با ایران و گاهی تشیع مخالفت کردند. بهر حال اخوانی ها سیاسی کاران حرفه ای هستند که در دفاع از منابع گروهی خود به تحلیل مسائل می پردازند...

این خلاصه تحلیل به اصطلاح سیاسی ایشان و نتیجه جمع بندی و استنتاج از صغری و کبرائی مجهول است که به هیچ وجه با حقیقت سازگار نیست. زیرا:

اخوان قبل از انقلاب با ایران و شیعه روابط صمیمانه ای داشتند علامه محمد تقی قمی وقتی از ایران به قاهره رفت، طبق اظهار شیخ عمر التلمسانی و شیخ مصطفی مشهور (دو مرشد مرحوم و معروف اخیر اخوان) به اینجانب، در اطاقی در ساختمان مرکزی اخوان سکونت اختیار نمود و فعالیت خود را آغاز کرد... در موقع تشکیل دارالتقرب در قاهره هم شهید شیخ حسن البنا از اعضای مؤسس و اصلی این حرکت اصلاحی بود که عکس ها و اسناد آن موجود

است... روابط بعدی اخوان با آیت الله کاشانی و نامه معروف شهید سید قطب به ایشان، مشهورتر از آنست که من در اینجا نقل کنم... شهید سید مجتبی نواب صفوی پس از شرکت در مؤتمر قدس، به دعوت سید قطب، باز طبق درخواست نامبرده به قاهره رفت و میهمان اخوان بود و من داستان آن را در کتاب زندگی و مبارزه نواب صفوی - چاپ مؤسسه اطلاعات - به تفصیل آورده ام. سپس این روابط توسط اخوان با ایران ادامه یافت تا انقلاب پیروز گردید... و اخوان از چند کشور عربی - اسلامی، رهبران یا نمایندگان ارشد خود را برای عرض تبریک به امام خمینی و ملت ایران، با یک پرواز اختصاصی به ایران فرستاد... و سپس در جنگ ظالمانه امپریالیسم غرب، برضد ایران اسلامی، با همکاری ارتجاع عرب و به سرکردگی حزب بعث و صدام، اخوان ضمن دعوت به صلح، همواره از ایران اسلامی دفاع کرد و یا نمایندگانی به ایران فرستاد...

۱۳- عجیب است که با این دفاع مستمر و پی گیری همه جانبه، بگوئیم که اخوان موضع روشنی در قبال ایران نداشته است. ولی عجیب تر آنکه گفته شود: اخوان در دوران مبارک با ایران و تشیع مخالفت کردند؟! البته این اتهام هیچگونه سند و مدرک و شاهد و... ندارد و شاید از وسایل ارتباط جمعی دیگران - اینترنت و سایت ها - اقتباس و نقل شده است... بی مناسبت نیست که توضیح بیشتری داده شود: در مورد تشیع اشاره کردیم که موافق اخوان از آغاز تأسیس و تا به امروز، در قبال شیعه و تشیع چگونگی بوده است... آخرین نمونه آن مقاله مشروح استاد مهندس یوسف ندا - از اعضای ارشد اخوان - درباره شیعه بود که من ترجمه آن را در روزنامه اطلاعات دو سال قبل منتشر ساختم و شاهد زنده این، دفاع از تشیع، پشتیبانی رسمی و علنی شیخ محمد عاکف رهبر و مرشد اخوان در زمان تجاوز اسرائیل به لبنان و

جنگ ۳۳ روزه بود که بطور رسمی و علنی و شفاف اعلام کرد که از دفاع مقدس حزب الله در لبنان، پشتیبانی می کند و حاضر است ده هزار میلشیای آموزش دیده و مسلح، برای کمک به برادران حزب الله، به لبنان بفرستد... و من نمی دانم که کدام یک از اعضای مکتب ارشاد یا رهبران اخوان، در کدام دوران و در کجا و کدام نشریه یا بیانیه، با ایران و تشیع مخالفت کرده اند؟ لابد مراد ایشان مفتیان نفتی آل سعود بوده که حتی دعا کردن برای پیروزی حزب الله در جنگ علیه اسرائیل را تحریم کردند... ۱۴- سیاسی کارهای حرفه ای نامیدن اخوان، ظلم مضاعفی است که توسط دوست عزیز ما در حق برادران روا رفته است و بدون پذیرفتن اشتباه و عذرخواهی کتبی، فکر نمی کنم که این اتهام قابل گذشت باشد یا فراموش بشود. ۱۵- نویسنده محترم مقاله، که دوستی سی ساله ما با ایشان همچنان ادامه دارد و برای آخرین بار هم

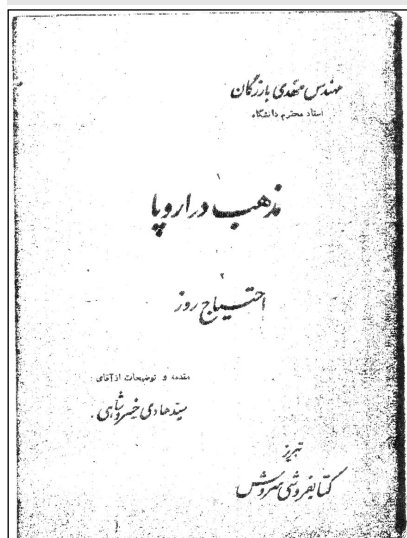
در جلسه روز یکشنبه ۹۰/۵/۲، در تهران، سرای اهل قلم در کنار هم، به بررسی و نقد کتاب ریچارد میشل، مؤلف کتاب اخوان المسلمین و استاد تاریخ در دانشگاه میشیگان پرداختیم و این توضیح ما البته به عنوان مبارزه! مطرح نمی شود، بلکه به عنوان تصحیح مطلب و بیان دیدگاهی دیگر، اما مستند درباره مواضع شفاف و روشن اخوان درباره سیاست داخلی در مصر و انقلاب جوانان و مسئله ایران و تشیع است. و البته من ترجیح می دهم که به این خلاصه، فعلاً اکتفا شود و اگر مجله نسیم بیداری میزگردی را با شرکت جمعی از اهل نظر و آشنا با مسائل منطقه - بویژه مصر - تشکیل دهد، من آمادگی دارم که مطالب مستند بسیاری را مطرح سازم که می تواند روشنگر حقایق باشد...

والسلام علی من اتبع الهدی
 قم: ۹۰/۵/۵ - سید هادی خسروشاهی
 مرکز بررسی های اسلامی

حاشیه‌ای بر دفتر خاطرات

تکمیل و تصحیح یک توضیح تاریخی

استاد سید هادی خسروشاهی



▲ احتیاج روز - چاپ تبریز / ۱۳۴۱ - کتابفروشی سروش
 اشاره کرد. در آن سخنرانی مهندس بازرگان به لزوم تشکیل یک تشکل که اساس آن بر عمل باشد، تأکید فراوانی کرد. علاوه بر متاع، تعداد زیادی هم انجمن تشکیل شد، از جمله تعدادی انجمن اسلامی محلات و همچنین انجمن اسلامی پزشکان و مسلمان و مهندسیین بود... (نیم قرن خاطره و تجربه، مهندس عزت الله سبحانی، ج اول، ص ۱۸۷، چاپ تهران، نشر فرهنگ صبا، ۱۳۸۸)
 جهت اطلاع برادر ارجمند جناب کتیرائی و برای تکمیل و تصحیح تاریخ، باید اضافه کنم که نسخه‌ای از این سخنرانی احتیاج روز را مرحوم مهندس بازرگان به این جانب دادند که من آن را در تابستان همان سال توسط کتابفروشی سروش در تبریز به شکل رساله‌ای مستقل منتشر ساختم که البته طبق معمول با مقدمه‌ای از این جانب همراه بود! و بعدها هم در اسناد پرونده بنده، در ساواک تبریز، صفحات ویژه‌ای را به خود اختصاص داد که در صورت چاپ این اسناد، برادر ارجمند، از نوع همکاری این جانب با نهضت مقاومت و متاع و بعدها نهضت آزادی آگاه خواهند شد. البته این نکته را باید اضافه کنم که بنده هیچ وقت عضو هیچ یک از این سازمان ها و تشکل ها نبودم و فقط به فکر عمل بودم، نه سازمان و الفاظ و القاب! به امید آنکه جناب کتیرائی به جای چند سطر توضیح خاطرات کامل خود را منتشر سازند تا اهالی تاریخ بهره مند شوند.

تهران ۹۰/۵/۲۸
 سید هادی خسروشاهی

قدیمی ترین اعضای متاع معرفی می کند، از اصول دهگانه آن خبر ندارد! این اصول دهگانه را مرحوم سید محمد باقر رضوی، توسط زنده یاد علامه بزرگوار جناب سید جلال الدین آشتیانی برای این جانب در قم فرستاد که همچنان نسخه ارسالی ایشان در آرشیو بنده موجود است و در خاطرات مربوط به استاد جلال آشتیانی آن را به طور کامل نقل کرده‌ام. این خاطرات، در روزنامه اطلاعات در چند شماره (از ۲۴ تیرماه ۸۶ تا شهریور ۸۶ و در شش قسمت) منتشر گردیده است و اگر تهیه شماره‌های روزنامه مقدور نباشد، به جلد اول کتاب در تکاپوی آزادی تألیف جناب یوسفی اشکوری (چاپ تهران، بنیاد فرهنگی مهندس مهدی بازرگان، صفحه ۳۵۷ به بعد) مراجعه شود که عیناً تحت عنوان اصول دهگانه جمعیت متاع نقل شده است.
 عجیب تر آنکه جناب کتیرائی می فرماید: متاع اساسنامه نداشت! ولی مورخان معاصر می نویسند: ... اما اساسنامه متاع در ۲۵ ماده تنظیم شد و طبق ماده ۲۵ آن، در جلسه مورخ ۱۳۳۴/۱۱/۱۹ هیأت مؤسس تصویب شده است... (در تکاپوی آزادی، ج اول، ص ۲۲۹). البته مرحوم مهندس بازرگان در مقاله شورای انقلاب و دولت موقت (ص ۹) تاریخ تأسیس متاع را سال ۱۳۳۵ ذکر نموده است.
 پس در تشکل متاع به هر حال هم اصول دهگانه‌ای وجود داشته و هم اساسنامه‌ای مکتوب... که ظاهراً به علت کبر سن و مرور زمان، جناب کتیرائی آن را فراموش کرده‌اند.
 ۳- در مورد اسامی مؤسسان، این جانب به رغم همکاری تنگاتنگ با متاع - توسط مهندس بازرگان، سید محمد باقر رضوی، سید جلال آشتیانی - از آن اطلاعی نداشتیم؛ ولی باز مورخان معاصر درباره آنها چنین نوشته‌اند: اسامی مؤسسان آن اعلام نشد؛ اما می دانیم که مهندس بازرگان، دکتر یدالله سبحانی، مهندس عزت الله سبحانی، دکتر کاظم یزدی، دکتر ابراهیم یزدی، آیت الله مطهری، سید غلامرضا سعیدی، احمد آرام، آیت الله دکتر مهدی حائری یزدی، کاظم حاج طرخانی، مهندس مصطفی کتیرائی و کاظم متحیدین از بانیان آن بودند. در اساسنامه دلیل اعلام نشدن بانیان و اعضایش، آمده است... (در تکاپوی آزادی ص ۲۳۰).
 به هر حال چه این بزرگواران از قدیمی ترین یاران و یا مؤسسان اصلی این حرکت باشند یا نباشند، بی تردید در اقدامات و فعالیت های مثبت مکتب متاع نقش مؤثری داشته‌اند و: ان الله لا

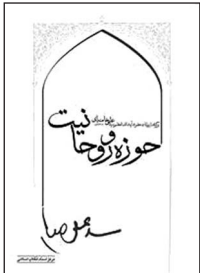
در تاریخ ۲۸ تیر ماه ۱۳۹۰، جریده شریفه اطلاعات، خاطراتی از این جانب، درباره زنده یاد مهندس عزت الله سبحانی به مناسبت چهلمین روز درگذشت وی، منتشر ساخت که پس از ۲۵ روز و در دوشنبه ۲۴ مرداد ۱۳۹۰، برادر ارجمند جناب آقای مهندس مصطفی کتیرائی توضیحی بر آن نوشتند و در اطلاعات درج گردید که شامل چند نکته بود:
 ۱- متاع یک سازمان اسلامی یا سیاسی نبود، بلکه یک تشکل بر اساس مکتب تربیتی - اجتماعی، عملی بود.
 ۲- این تشکل نه تنها اصول دهگانه‌ای نداشت، بلکه اساسنامه هم نداشت.
 ۳- دکتر یدالله سبحانی، سید غلامرضا سعیدی، دکتر مهدی حائری یزدی و مهندس سید محمد باقر رضوی، عضو آن نبوده‌اند.
 ۴- محمد باقر رضوی مهندس نبود، وکیل دادگستری بود.
 ۵- فعالیت این حرکت ناکام نماند و متوقف نشد. فقط اعضای آن عوض شدند.
 اما تصحیحات:
 ۱- متاع اگر یک تشکل بر اساس مکتب تربیتی - اجتماعی عملی بود، چگونه می تواند اسلامی یا سیاسی نباشد؟ اصول دهگانه مکتب متاع نشان می دهد که بر خلاف مکتب ایرانی! متاع ریشه در اندیشه اسلامی دارد و هدف آن تربیت مردم بر اساس مکتب اسلام است... و وقتی هدف نهائی چنین باشد، این تشکل، نمی تواند اسلامی یا سیاسی نباشد. و شاید بر همین تصور باشد که آقای جلال فارسی در خاطرات خود نام آن را مکتب تربیتی عملی اسلامی ذکر کرده که البته در اصل کلمه اسلامی ذکر نشده است. (زوایای تاریک، صفحه ۲۱)
 اینکه متاع را بنده در آن مقاله حرکتی اسلامی تر نامیده بودم، به این سبب بود که نهضت مقاومت ملی پیش از متاع، حرکتی بود که پایه گذارانش از مرحوم آیت الله حاج سید رضا زنجانی بگیرد تا مرحوم محمد نجش و دیگران، همه اسلامگرا بودند و پس از مدتها، بعضی از اعضای احزاب ملی گرا - وابسته به جبهه ملی - هم به آن پیوستند و دلیل همکاری ما با نهضت مقاومت و متاع نیز همان اسلامگرا بودن آن حرکت ها بود. نه به علت ادامه راه مصدق...!
 ۲- موجب تعجب است برادر مکرم جناب آقای مهندس کتیرائی که خود را از مؤسسیین و

معرفی کتب مرکز اسناد انقلاب اسلامی

مورخ، سرمایه ارزشمندی است که وی را همه جای آثارش از گزند خطا و خیانت و انحراف مصون می‌دارد. این دقت و تأمل در بررسی رویدادهای منتهی به انقلاب اسلامی و حوادث سه دهه اخیر اهمیت بیشتری دارد. سیر تحولات شکل‌گیری، پیروزی و تداوم انقلاب اسلامی، حرکت کشور به سوی استقلال، حاکمیت ملی و عدم وابستگی سیر فراز و نشیبی است که نویسندگان فراوانی کوشیده‌اند به آن پردازند.

لیبرال‌ها، سلطنت‌طلبان، فراماسون‌ها و کمونیست‌ها از جمله کسانی بودند که درباره انقلاب اسلامی قلم زده‌اند و آثار خود را منتشر کرده‌اند. در این میان شناخت سره از ناسره به نقدی منصفانه و منطبق با حقایق انقلاب اسلامی نیازمند است که مرکز اسناد انقلاب اسلامی بدان همت گماشته است.

حوزه و روحانیت برگرفته از بیانات حضرت آیت الله سید علی خامنه‌ای (مدظله العالی)



پیروزی انقلاب اسلامی و استقرار نظام جمهوری اسلامی وظایف سنگینی را بر عهده روحانیت نهاد که لزوم تحرک بیشتر در جامعه و تأسیس مؤسسات وابسته به حوزه و ارتباط پویا و مداوم با نهادهای دیگر جامعه اسلامی را ایجاد می‌کرد. روحانیت شیعی بعد از پیروزی انقلاب ضمن حفظ و استمرار وظایف سنتی روحانیت در کسب دانش متعارف حوزوی و تبلیغ دین، به تحول در روش‌ها و تخصصی کردن رشته‌های تحصیلی حوزوی و ساماندهی و برنامه‌ریزی برای استفاده بهینه از امکانات این نهاد دست زدند. این اثر فرمایشات و بیانات مقام معظم رهبری حضرت آیت الله خامنه‌ای در دیدار با اساتید، فضلا و نخبگان حوزه‌های علمیه مختلف کشور است که در زیر عناوین متنوع تدوین و ساماندهی شده است.

بعث

نشریه مرکز بررسی‌های اسلامی
دو هفته‌نامه سیاسی، اجتماعی، فرهنگی

صاحب‌امتیاز و مدیرمسئول:

سید هادی خسرو شاهی

سردبیر:

سید محمود خسرو شاهی

دفتر مرکزی:

قم: خیابان شهدا (صفائییه) نبش ممتاز

تلفن: ۷۷۴۱۴۲۳

صندوق پستی: ۱۳۶

چاپ: مینایی

پست الکترونیکی:

Besatonline@gmail.com

فرهنگ سیاسی در ایران



یکی از لایه‌ها و وجوه فرهنگ عمومی، فرهنگ سیاسی است. مفهوم فرهنگ سیاسی هرچند نزدیک به چندین دهه عمر دارد، اما در ادبیات سیاسی ایران چندان شناخته شده نیست و در پژوهش‌ها کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد. شناخت فرهنگ سیاسی جامعه و نوع نگاه مردم به سیاست می‌تواند زمینه‌ساز مناسبی برای برنامه‌ریزی اجتماعی و سیاسی باشد. شناخت فرهنگ سیاسی یک ملت کمک می‌کند تا ارزش‌ها، باورها و ایستادهای احساسی مردم آن سرزمین را درک کرده و از نوع رفتارهای سیاسی و غیر سیاسی آنان اطلاع داشته باشیم.

اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانشجویان خارج از کشور به روایت اسناد



فعالیت اتحادیه انجمن اسلامی دانشجویان خارج از کشور، نقطه عطفی در تاریخ مبارزات دانشجویان مسلمان فارسی زبان بود که توانست با حفظ استقلال سیاسی و اقتصادی خود، راه را برای فعالیت دانشجویان مسلمان معترض هموار نموده و سازمانی ایجاد نماید که به علت حضور نیروهای معتقد و یا سازمانی، در عرصه فعالیت خود همکاری مستمری با مبارزات اسلامی داخل ایران داشته باشد. فعالیت این تشکل اسلامی که بر خودسازی و خودآگاهی تأکید داشتند با ورود به عرصه سیاست گسترده تر شد و با روحانیون به خصوص امام خمینی (ره) همکاری مستعمری برقرار نمود و به تنها سازمانی تبدیل شد که توانست تأیید امام و جامعه روحانیت را در مبارزات اسلامی انقلابی به دست آورد.

نقد تاریخ نگاری انقلاب اسلامی (کتاب دوم)

بزرگ نمایی و افراط در تاریخ نگاری به اندازه اغماض‌های بیجا و برخورد‌های تفریطی و انفعالی زیان‌آور است و هر دو، جامعه تشنه حقیقت را به گمراهی می‌کشاند. واقعی‌گرایی، حقیقت‌بینی و دقت توأم با صداقت یک

فعال سیاسی مصر:

عشق به اهل بیت (ع) از دلایل مهم دشمنی آل سعود با مردم مصر است

آن‌ها ضریح سادات خاندان اهل بیت (ع) وجود دارند، تخریب کنند، اما بلافاصله با مواجهه سریع و صریح احمد الطیب، شیخ الأزهر، مبنی بر حکم اعدام برای کسانی که درصدد تخریب مساجد بر بیایند، روبه‌رو شدند.

الغندور خاطر نشان کرد: عربستان سعودی مزدور آمریکا در منطقه خاورمیانه است که در جهت تحقق منافع استکبار جهانی در این منطقه تلاش می‌کند و در این راستا خیانت‌های بزرگی را به مردم مصر کرده است.

عضو سابق مجلس ملی مصر درباره نهضت بیداری اسلامی و تسخیر سفارت رژیم صهیونیستی در قاهره افزود: من در انقلاب مصر در میان جوانان مصری حضور داشتم و افتخار شرکت در این انقلاب بزرگ را دارم، اما در تسخیر سفارت رژیم صهیونیستی به خاطر این که در تهران بودم، شرکت نکردم و از این مسئله بسیار ناراحت هستم که افتخار شرکت در این رویداد تاریخی را نداشتم.

الغندور درباره پیامدهای تسخیر سفارت رژیم اشغالگر صهیونیستی در قاهره و موضع حکومت مصر نسبت به این مسئله تصریح کرد: جوانان مصری با شرکت در تظاهرات میلیونی و تسخیر سفارت اسرائیل که منجر به فرار سفیر این رژیم از مصر شد، پیام خود را مبنی بر این که دیگر در برابر استکبار کوتاه نخواهند آمد، به «واشنگتن» و «تل‌آویو» رساندند.

وی در ادامه اظهار کرد: جوانان مصری در پیام خود به اسرائیل و آمریکا اعلام کردند که کشورشان پس از پیروزی انقلاب بیداری اسلامی با مصر پیش از آن، متفاوت است و اگر مبارک در برابر شما تعظیم کرد و به فرمان‌های شما گوش سپرد، ما این کار را نخواهیم کرد.

عشق به اهل بیت (ع) یکی از ویژگی‌ها و بخشی از میراث فرهنگی مردم مصر از دوران حکومت تاریخی فاطمیان در این سرزمین تاکنون است و این مسئله یکی از دلایل دشمنی حکومت وهابی سعودی با مردم مصر، پس از پیروزی انقلاب مردمی این کشور است.

محبی‌الدین الغندور، فعال سیاسی شیعه مصر، عضو سابق مجلس ملی این کشور، عضو سابق حزب الاحرار و مدافع جنبش جوانان ۲۵ ژانویه پس از پیروزی انقلاب مصر، در گفت‌وگو با (ایکنا) با بیان این مطلب گفت: مردم مصر در حالی به اهل بیت (ع) عشق می‌ورزند و آنان را مقدس می‌دانند که اکثریت آنان از اهل تسنن هستند و حتی با مذهب تشیع آشنایی زیادی ندارند، اما با وجود این مسئله به ایشان توسل می‌کنند و شفاعت دنیا و آخرت را از آنان می‌طلبند.

وی افزود: عشق به اهل بیت پیامبر (علیهم‌السلام) یکی از ویژگی‌ها و بخشی از میراث فرهنگی مردم مصر از زمان حکومت فاطمیان تاکنون است و این مسئله یکی از دلایل سیاست‌های ضد مصری حکومت سعودی در دوره پس از پیروزی انقلاب مردمی این کشور است و حتی در این راستا یکی از علمای عربستان، خوردن گوشت حیوانی را که به دست مصری‌ها ذبح شده باشد، جایز نمی‌داند و این شیخ سعودی صراحتاً فتوای مذکور را به خاطر حب مردم مصر نسبت به اهل بیت (ع) اعلام کرده‌اند.

الغندور تصریح کرد: عربستان برای گسترش وهابیت در مصر تلاش می‌کند و مردم مصر آگاهانه با آن مبارزه می‌کنند. وهابی‌ها پس از پیروزی انقلاب در مصر به صراحت اعلام کردند که قصد دارند مراقد امام زاده‌ها و مساجدی را که در

هشدار در مورد کتاب‌های غیر عقلانی در حوزه دعا

اشتباه دانست و گفت: نبود نظارت بر کتاب‌های دعا به جامعه آسیب می‌زند. مردم فکر می‌کنند کتابی که ارشاد مجوز داده، معتبر است. لذا قطعاً لازم است این کتاب‌ها توسط افراد خبره و آشنا به علوم حدیث هم نظارت شوند.

حجت الاسلام سیاسی گفت: با نگاه اجمالی که به این کتاب‌ها داشتیم به نظرم برخی از اینها معتبر نبودند.

مدرس عالی حوزه علمیه قم درباره انتشار کتاب‌هایی با موضوع قدرت فکر و تمرکز و رابطه آن با اندیشه دینی گفت: درباره نشر کتاب نمی‌توان افراد را محدود کرد تا افراد نظر خود را مطرح نکنند، اما بر همین‌ها هم باید نظارت شود تا مطالب کذب و بی‌اساس نباشد.

وی ادامه داد: زمانی هست که فردی نظر علمی دارد باید اجازه داد که این نظر مطرح شود و افراد آن را نقد و بررسی کنند ولی زمانی هست که اینگونه کتاب‌ها فقط برای درآمدزایی منتشر شده‌اند و تولید فکر مد نظر نبوده است که در این صورت باید با اینگونه مطالب که مبنای علمی و عقلی ندارد برخورد کرد.

مدرس عالی حوزه علمیه قم با اشاره به اینکه نبود نظارت بر کتابهای دعا به جامعه آسیب می‌زند، گفت: مردم فکر می‌کنند کتابی که ارشاد مجوز داده، معتبر است بنابراین اطمینان می‌کنند و همین امر تأکیدی است بر لزوم نظارت جدی مسئولان امر به انتشار کتابهای دعا.

حجت الاسلام کاظم سیاسی آنتیانی مدرس عالی حوزه علمیه قم درباره لزوم نظارت بر کتاب‌های دعای منتشر شده در بازار به مهر گفت: نظارت بر این کتاب‌ها ضروری است، حتی درباره کتابی مثل مفاتیح‌الجان هم باید تمام احادیث از حیث سند بررسی شوند و غیر از آنها که سند مشخص دارند، بقیه باید سندیابی شوند. وی انتشار کتاب‌های دعا را دلیلی بر صحت آنها ندانست و گفت: صرف انتشار به معنی صحت این کتاب‌ها نیست. متأسفانه گاهی مطالبی منتشر می‌شود که درست نیست. اینکه اگر فلان دعا خوانده شود ۵۰ سال نماز شما را کفایت می‌کند، مطلب صحیحی نیست. لذا ضروری است که هر یک از اینها سندیابی و ارزیابی شود.

این پژوهشگر علوم دینی عدم نظارت بر کتاب‌های دعا را

مجله «تراثنا» بیست و پنج ساله شد

گفت: این مجله امروز حضور درخشان خود را جشن گرفته است و در یاد خود خاطره افراد بزرگی را دارد که فراموش نمی‌شوند و در رأس آنها عبدالعزیز طباطبایی (قدس سره) است که حکم پدری حامی و ناظر را برای این مجله دارد.

در ادامه این مراسم مهندس مصطفی جمال‌الدین مدیر دفتر ادبی در نجف نیز قصیده‌ای را با عنوان «حنوط‌کنندگان به عطر میراث» برای حاضران خواند. رئیس بخش اصول الدین در دانشگاه تونس نیز ضمن تقدیر از مجله تراثنا تأکید کرد: صدور مستمر این مجله در طول ربع قرن خود گواه صدق نبی است که کاملاً با محتوای آن مطابقت دارد.

در پایان این مراسم دکتر مارتین مکدرموت مستشرق متخصص در میراث کلامی امامیه نیز در سخنانی دقت و قاطعیت علمی را از ویژگی‌های مجله میراثنا خواند و تأکید کرد: این مجله نیازمند جمع تاریخ فرهنگی جمعیت امامیه و گسترش آن، گسترش اندیشه امامی، ادبیات اندیشه و کلام به عنوان بخشی از میراث ماست.

مراسم گرامیداشت بیست و پنجمین سال صدور مجله تراثنا در لبنان و با حضور شخصیت‌های علمی و فرهنگی برگزار شد.

مؤسسه آل‌البیت لایحای تراثنا در لبنان بیست و پنجمین سال صدور مجله تراثنا را در مجمع فرهنگی امام صادق (ع) و با حضور تعداد بسیاری از شخصیت‌های علمی، فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و دینی گرامی داشت.

در مراسمی که به همین منظور برگزار شد، پس از تلاوت آیاتی از کلام الله مجید، محمدرضا جلالی محقق و استاد حوزه علمیه در سخنانی با اشاره به ضرورت توجه به میراثی که از گذشتگان برجای مانده است، بر اهمیت جهت‌دهی پژوهشگران و محققان به سوی نظریه‌ها و پیشنهادهایی که از گذشته بر جای مانده و می‌تواند بشریت را به معانی خیر عدالت و مساوات رهنمون گردد، تأکید کرد.

حامد خفاف مدیر دفتر آیت‌الله سیستانی در بیروت و مدیر مؤسسه آل‌البیت (ع) نیز با تجلیل از مؤسس مجله تراثنا